

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فیروزه
۱۶ سپتمبر ۲۰۲۳

درباره معضل دردناک کودکان کار

در ۳۱ اگست مرکز پژوهش های مجلس یک گزارش تحقیقی در مورد کودکان کار منتشر کرد. در این گزارش آمده است که "شمار کودکان کار در ایران به ۱۵ درصد کل جمعیت کودکان کشور افزایش یافته" است. این مرکز در گزارش مزبور، افزایش کودکان کار را ناشی از "فقر خانوارها" و "عدم ضمانت اجرایی قوانین" قلمداد کرده و افزوده است که "ضعف در نظارت بر کارگاه ها و مشاغل"، علاوه بر افزایش شمار کودکان کار، به ابعاد گسترده "سوءاستفاده جنسی" و "بهره کشی" از کودکان کار دامن زده است.

این گزارش گرچه توسط نهادهای همین نظام استثمارگرانه و ضد خلقی تهیه شده و تنها گوشه ای از حقایق مربوط به رشد و وضعیت وحشتناک حیات و معاش کودکان کار را منعکس می کند، اما به نوبه خود ابعاد رشد یابنده این فاجعه و ماهیت نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما را به نمایش میگذارد.

رشد روز افزون تعداد کودکان کار که در این گزارش تنها به گوشه کوچکی از آن اشاره شده واقعیتهای انکار ناپذیر است که هر انسانی وقتی در خیابانهای ایران تردد کند در سرما و گرما شاهد کار کودکانی خواهد بود که به جای میز و نیمکت مدرسه و دیگر شادیهای کودکان، در حال فروش نیروی کار خود با عرضه "فال" و گل و یا شستن شیشه ماشین ها و کارهای مشقت بار دیگری که تحملش برای بزرگترها هم سخت و مشکل است؛ می باشند.

این معضل اجتماعی دردناک مربوط به امروز و دیروز نیست بلکه با حیات نظام سرمایه داری در ایران گره خورده است و تنها امروز ابعاد و وسعت هر چه بیشتری یافته است. سالهاست که خانواده های کارگری و زحمتکشانی که کمرشان زیر بار فقر و فلاکت شکسته و با کار و درآمد اندکشان توان تامین معیشت همسر و فرزندان خود را ندارند بالاجبار کودکانشان را برای تهیه لقمه نانی روانه خیابانها کرده و یا در اختیار مافیای های سازمانده کودکان کار قرار میدهند، مافیاهایی که در رژیم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی رشد و گسترش یافته و از سوی همین رژیم هم وسیعاً حمایت میشوند.

جدا از کودکانی که در کارگاه ها به وحشیانه ترین شکلی شیر جانشان کشیده می شود، بسیاری از این کودکان یا در بازارها باربری میکنند و یا در زباله ها بدنبال پس مانده غذایی برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان هستند. این درد و رنج ها که در مقابل چشم همگان اتفاق میافتد واقعیتهای قابل رویت می باشد که از چشم هیچ کس پنهان نمی ماند. البته این دردها تنها در خیابانها قابل مشاهده نیستند، هستند فراوان کودکانی که در کارگاههای فرش بافی و کوره های

آجرپزی و زیر زمینهای سرد و نمور مشغول بکارهای سخت و طاقت فرسا برای به دست آوردن لقمه ای نان میباشند و دردناکتر کودکانی هستند که در کوهستانهای صعب العبور غرب کشور به اندازه چند برابر وزن خود بار بر دوش حمل میکنند و کولبر نامیده شده اند. کولبری و سوخت بری با رشدی وحشتناک در غرب و شرق کشور از نتایج سلطه نظام سرمایه داری وابسته و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی این حافظ ددمنش این نظام جابرانه می باشد؛ که "کارآفرینانش" (یعنی سرمایه داران زالو صفت حاکم) برای پر کردن جیبهای خود چنین شرایط وحشیانه ای را برای مردم تحت ستم استانهای سیستان و بلوچستان و کردستان افریده اند!

بیش از صد سال است که از تصویب باصلاح قانون ممنوعیت کار کودکان در جهان میگذرد، اما در ایران، مانند بسیاری دیگر از جوامع تحت سلطه، این ممنوعیت فقط بر روی کاغذ باقی مانده و یا در پرونده های موجود در وزارتخانه ها و دیگر سازمانهای دولتی خاک میخورد. در میهن ما نه تنها این ستم و محرومیت بر کودکان عملاً ممنوع نمیشد بلکه کسانی که بصورت مستقل به گوشه ایی از این جنایت سازمان یافته اشاره و یا انتقادی کنند به دست ارگانه های سرکوب دیکتاتوری حاکم فوراً دستگیر شده و به زندان میافتند.

بطور مثال در چند سال گذشته موسسه خیریه ایی بنام جمعیت امام علی که مسئولینش مدعی بودند بطور مستقل اقدام به شناسایی و کمک به کودکان کار و یا بدسرپرست می کردند از طرف گزرمه های حکومتی پلمب و موسس و اعضای آن دستگیر و به زندان افتادند. موسس این جمعیت پس از گذراندن محکومیت خود و آزاد شدن از زندان از ایران خارج شد. نامبرده در مصاحبه ئی که با یک رسانه داشت به گوشه ای از اتفاقات هولناکی که برای این کودکان میافتد اشاره داشت. این شخص در مصاحبه خود اشاره کرد که در حین کار و فعالیت با کودکانی برخورد کرده است که پدر بر اساس قانون کثیف صیغه فرزند دخترش را تا سن ۱۸ سالگی چندین بار درموردی که نامش را ازدواج موقت میگذارد به فروش رسانده بوده است.

مورد دیگری از کار دردناک کودکان، زباله گردیست که بر اساس تحقیق های بعمل آمده در ایران زباله گردی زیر نظر شهرداریهای کشور در حال انجام گرفتن است و پیمانکاران جمع آوری زباله، بابت هر کودکی که به کار گرفته و استثمار میکنند وجهی به شهرداری ها میپردازند و از این طریق مجوز کار دریافت میکنند. با نشان دادن این مجوز به مامورین وحشی و چماق بدست شهرداری، کودکان بدون کمترین حمایت و امنیت در خیابانها البته به طور "قانونی" و "آزادانه" تا کمر در سطل های زباله خم شده و یا حتی درون آنها می روند تا با این کار کثیف و درد آور شاید لقمه نانی بدست آورند.

این واقعیت نشان میدهد که در این زمینه نیز مانند دیگر حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به فقر و فلاکت کشیده کشورمان با چه درجه ای از استثمار و ظلم و با چه فساد سیستماتیک روبرو هستیم. بطوری که کودکان این آب و خاک، این غنچه های نوشکفته جامعه زیر دست و پای این مافیا ها که از سوی رژیم دار و شکنجه حاکم حمایت می شوند روزانه مورد تعرض و آزارهای جنسی قرار میگیرند و اگر عمری داشته باشند با این درد رنج ها بزرگ میشوند بدون اینکه این دردها و زخم ها هرگز التیام یابند.

این جنایات آنقدر عمیق است که صدای خودیهای دیکتاتوری حاکم را هم در آورده؛ آنهایکه فکر می کنند این حد از فشار و فساد، سلطه طبقه حاکمه را به خطر می اندازد و به همین دلیل هم در اینجا و آنجا برای فریبکاری و یا کسب وجهه مقبول به اعتراض و انتقاد پرداخته اند.

جمهوری اسلامی رژیمی سرکوبگر و نوکر بیگانگان می باشد که هرگز نخواسته و نخواهد توانست مشکلات عظیم خلق های تحت ستم و استثمار ما را که خود در ایجاد آنها نقش برجسته داشته را حل کند چرا که وظایفی که برای

بودنش تعریف و بعهده اش گذاشته شده چیزی جز غارت و بباد دادن ثروت های عمومی کشور ما در منطقه و در جهت اهداف سرمایه داران حاکم و اربابان امپریالیست اش نمی باشد .

امروز دیگر بر هر ایرانی آزاده و دلسوز روشن است که تا زمانیکه رژیم فاسد و خدمتگزار سرمایه داران داخلی و خارجی یعنی جمهوری اسلامی برای حفظ استثمار کودکان و جوانان و دیگر اقشار مردم تحت ستم ما حاکم است نه تنها امکان کمک به هیچ کدام از بخش ها و گروه های آسیب پذیر در جامعه امکان پذیر نمیشد بلکه هر یک روز که از عمر این جانیان دارو شکنجه که بگذرد شاهد ویرانی و نابودی بیشتر کشور و طبیعت و ثروتهای عمومی ایران و به همین ترتیب حیات کودکان ستمدیده خواهیم بود.

بر زنان و مردان مبارز و آگاه ماست که با تشدید مبارزات قهرمانانه خود این رژیم ناتوان و درمانده را که در دوران پایانی عمر خود قرار گرفته، و برای حفظ حیات ننگین سیاسی خود در پناه حمایت قدرتهای امپریالیستی غرب و شرق به هر سرکوبی متوسل میشود را با سازماندهی توده ها و با در پیش گرفتن شیوه های انقلابی سرنگون ساخته و طومار ننگین زندگی این جنایتکاران که زندگی را بر کودکان ما و کارگران و ستمدیدگان جهنم کرده اند را در هم ببیچند.

مرداد- اسد- ۱۴۰۲

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۸۸، مرداد ۱۴۰۲